

۶) آیه شریفه «ویل لكل همزة لمزة»

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هَمْزَةٍ لَمْزَةٍ (۱) الَّتِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳) كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي  
الْحُطْمَةِ (۴) وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْفُؤَادَةِ (۷) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ  
مُؤَصَّدَةٌ (۸) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)»

ترجمه:

«به نام خداوند بخشنده مهربان (۰)

وای بر هر عیبجوی مسخره کننده‌ای! (۱) همان کس که مال فراوانی جمع‌آوری و آماده ساخته بی‌آنکه حلال و حرام آن را حساب کند! (۲) او می‌پندارد اموالش او را جاودانه می‌سازد. (۳) چنین نیست که می‌پندارد؛ بزودی در «حطمه» [آتش خردکننده] پرتاب می‌شود. (۴) و تو چه می‌دانی «حطمه» چیست؟! (۵) آتش برافروخته الهی است، (۶) که از دلها سر می‌زند. (۷) این آتش بر آنها فرو بسته شده، (۸) در ستونهای کشیده و طولانی. (۹)»

ما می‌گوییم:

۱. چنانکه در مباحث سال ششم<sup>۱</sup> به طور مفصل مورد اشاره قرار دادیم:

الف) در فرق بین همزة و لمزة گفته شده است که:

۱- همزة در حضور است و لمزة در غیب

۲- همزة عیب جویی با صدای بلند و لمزة عیب جویی مخفی

۳- همزة با دست است و لمزة با سایر اجزاء

۴- همزة غیبت کننده است و لمزة عیب کننده.<sup>۲</sup>

ب) سبّ از مصادیق طعنه زدن و عیب جویی است (و لمز به معنای طعنه زدن است) و لذا می‌توان آن را مصداق آیه شریفه دانست.

۱. ص ۲۷۸

۲. مفاتیح الغیب، ج ۲۲، ص ۹۱





ج) اما دلالت «ویل» بر حرمت مسلم نیست چرا که برخی نوشته اند که ویل دلالت بر تقبیح می کند.<sup>۱</sup> البته معانی دیگری همانند هلاکت، عذاب، حزن، تعجب، حسرت و وادی در جهنم نیز برای ویل برشمرده است.<sup>۲</sup>

ان قلت: برخی از فقها این کلمه را نص در حرمت<sup>۳</sup> و برخی ظاهر در حرمت دانسته اند<sup>۴</sup>

قلت: در نقطه مقابل امام خمینی این لفظ را اعم از حرمت و کراهت دانسته اند.<sup>۵</sup>

(۷) آیه ۱۰۸ سوره انعام

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ

إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۶</sup>

ترجمه:

«به معبود کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها نیز از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند. این گونه برای هر امتی عملشان را زینت دادیم. سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد و پاداش و کیفر می دهد»

ما می گوئیم:

۱. آیه شریفه دال بر حرمت سبّ مشرکین است (که آنها بت ها را می پرستیدند) [چنانکه در ترجمه های آدینه وند، پاینده، رهنما و فولادوند چنین آمده است] [البته در کلام مترجمین و مفسرین نوعاً آیه را درباره سبّ بت ها دانسته اند]<sup>۷</sup>

۱. همان

۲. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۳۸؛ النهایة، ج ۵، ص ۲۳۶

۳. ریاض المسائل، ج ۴، ص ۳۸۵

۴. زیة البیان (اردبیلی)، ج ۲، ص ۷۶؛ البدر الزاهر (بروجردی)، ص ۱۱۸؛ مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۴۳، دراسات فی مکاسب (منتظری)، ج ۱۳، ص ۱۳

۵. مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۷۶

۶. سوره انعام، آیه ۱۰۸

۷. مفاتیح الغیب، ج ۱۳، ص ۱۳۹؛ و ترجمه های تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۹۵؛ المیزان، ج ۷، ص ۳۱۴



۲. شأن نزول آیه را چنین برشمرده اند که کفار به پیامبر گفته اند اگر مسلمانان را از دشنام خدایان ما باز نداری، ما هم به خدای تو دشنام می دهیم و آیه شریفه بعد از این تهدید نازل شده است.<sup>۱</sup>
۳. درباره اینکه مگر کافران به خدا ایمان نداشته اند، پس چگونه می شود به خدا دشنام دهند، فخر رازی می نویسد:

«وَاعْلَمَ أَنَا قَدْ دَلَّلْنَا عَلَى أَنَّ الْقَوْمَ كَانُوا مُقِرِّينَ بِوُجُودِ إِلَهِ تَعَالَى فَاسْتَحَالَ إِقْدَامُهُمْ عَلَى شَتْمِ إِلَهِ بَلْ هَاهُنَا اِحْتِمَالَاتٌ أَحَدُهَا: أَنَّهُ رَبِّمَا كَانَ بَعْضُهُمْ قَائِلًا بِالذَّهْرِ وَنَفَى الصَّانِعِ فِيمَا كَانَ يُبَالِي بِهَذَا النَّوْعِ مِنَ السَّفَاهَةِ.

وَتَانِيهَا: أَنَّ الصَّحَابَةَ مَتَى شَتَمُوا الْأَصْنَامَ فَهُمْ كَانُوا يَشْتُمُونَ الرَّسُولَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَاللَّهُ تَعَالَى أَجْرَى شَتْمِ الرَّسُولِ مَجْرَى شَتْمِ اللَّهِ تَعَالَى كَمَا فِي قَوْلِهِ: إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ [الْفَتْحِ: ۱۰] وَكَقَوْلِهِ: إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ [الْأَحْزَابِ: ۵۷]

وَتَالِثُهَا: أَنَّهُ رَبِّمَا كَانَ فِي جَهَالِهِمْ مَنْ كَانَ يَعْتَقِدُ أَنَّ شَيْطَانًا يَحْمِلُهُ عَلَى ادِّعَاءِ النُّبُوَّةِ وَالرَّسَالَةِ، ثُمَّ إِنَّهُ لِيَجْهَلُهُ كَانَ يُسَمِّي ذَلِكَ الشَّيْطَانَ بِأَنَّهُ إِلَهُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَكَانَ يَشْتُمُ إِلَهَ مُحَمَّدٍ بِنَاءً عَلَى هَذَا التَّأْوِيلِ.<sup>۲</sup>

۴. اما ظاهراً نمی توان برای حرمت سبّ به صورت مطلق به آیه تمسک کرد چرا که آیه تحریم را به جهت آن می داند که منجر به سبّ خدای متعال می شود.
۵. پس در حقیقت آنچه حرام است، سبّ خدا و هر کاری است که به آن منجر شود و الا سبّ فی حد نفسه محکوم به حرمت دانسته نشده است.

«لِقَائِلٍ أَنْ يَقُولَ: إِنَّ شَتْمَ الْأَصْنَامِ مِنْ أَصُولِ الطَّاعَاتِ، فَكَيْفَ يَحْسُنُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَنْهَى عَنْهَا. وَالْجَوَابُ: أَنَّ هَذَا الشَّتْمَ، وَإِنْ كَانَ طَاعَةً. إِلَّا أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ عَلَى وَجْهِ يَسْتَلْزِمُ وَجُودَ مُنْكَرٍ عَظِيمٍ، وَجَبَ الْإِحْتِرَازُ مِنْهُ، وَالْأَمْرُ هَاهُنَا كَذَلِكَ، لِأَنَّ هَذَا الشَّتْمَ كَانَ يَسْتَلْزِمُ إِقْدَامَهُمْ عَلَى شَتْمِ اللَّهِ وَشَتْمِ رَسُولِهِ، وَعَلَى فَتْحِ بَابِ السَّفَاهَةِ، وَعَلَى تَنْفِيرِ هَمِّ عَنْ قَبُولِ الدِّينِ، وَإِدْخَالِ الْعَيْظِ وَالْغَضَبِ فِي قُلُوبِهِمْ، فَلِكُونِهِ مُسْتَلْزِمًا لِهَذِهِ الْمُنْكَرَاتِ، وَقَعَ النَّهْيُ عَنْهُ.»<sup>۳</sup>

۱. مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۱۳۹

۲. مفاتیح الغیب، ج ۱۳، ص ۱۰۹

۳. همان، ص ۱۱۰



۶. و هم چنین می توان گفت این حکم در هر جایی که سبّ به حرمت شکنی منجر شود، جاری است. این مطلب در روایاتی نیز مورد تصریح است. چنانکه امام صادق (ع)، در جایی که دشنام به «سبّ اولیاء الله» منجر شود هم، از سبّ اعداء الله نهی کرده اند:

« محمد بن یعقوب الكلینی قال: حدثنی علی بن إبراهیم، عن أبيه، عن ابن فضال، عن حفص المؤذن، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، وعن محمد بن إسماعیل بن بزيع، عن محمد بن سنان، عن إسماعیل بن جابر، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه كتب بهذه الرسالة إلى أصحابه وأمرهم بمدارستها والنظر فيها وتعاهدها والعمل بها فكانوا يضعونها في مساجد بيوتهم فإذا فرغوا من الصلاة نظروا فيها.»

قال: وحدثنی الحسن بن محمد، عن جعفر بن محمد بن مالك الكوفي، عن القاسم بن الربيع الصحاف، عن إسماعیل بن مخلد السراج، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: خرجت هذه الرسالة من أبي عبد الله (عليه السلام) إلى أصحابه: بسم الله الرحمن الرحيم»<sup>۱</sup>

« وإياكم وسبّ أعداء الله حيث يسمعونكم فيسبوا الله عدوا بغير علم وقد ينبغي لكم أن تعلموا حد سبهم لله كيف هو؟ إنه من سبّ أولیاء الله فقد انتهك سبّ الله ومن أظلم عند الله ممن أستسب لله ولأولیاء الله، فمهلا مهلا فاتبعوا أمر الله ولا حول ولا قوة إلا بالله.»<sup>۲</sup>

[وقد ينبغي...: بدانید اندازه سبّ خدا چیست؟ به این است که اگر کسی اولیاء خدا را سبّ کند به سبّ خدا/ انتهک سبّ الله: حرمت سبّ خدا را از بین برده است / و من اظلمُ...: کیست ظالم تر از کسی که طلب می کند سبّ خدا و ... را]

۸) نبوی اول:

«وعنهم، عن أحمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن عبد الله بن بكير، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: سباب المؤمن فسوق، و قتاله كفر، و أكل لحمه معصية، و حرمة ماله كحرمة دمه»<sup>۳</sup>

ما می گوئیم:

۱. الكافي - ط الاسلامیة، ج ۸، ص ۲

۲. همان، ص ۷

۳. وسائل الشیعة ط - آل البيت، ج ۱۲، ص ۲۹۷



۱. این روایت در منابع اهل سنت نیز مطرح شده است.<sup>۱</sup> و در برخی منابع ایشان «سباب المسلم» ضبط شده است.<sup>۲</sup>

۲. این روایت در مورد سبّ مومن است و ناظر به سایر اقسام نیست. ولی شیخ طوسی در امالی<sup>۳</sup> و دیلمی در اعلام الدین<sup>۴</sup> در وصایای پیامبر به ابوذر، «سباب المسلم» ضبط کرده اند.

[سباب: به معنای دشنام دادن است و مصدر باب مفاعله است. توجه شود که مفاعله در اینجا به معنای «دشنام طرفینی» نیست، و این معنی، مربوط به باب تفاعل (تساب) است]

۳. در برخی منابع نیز «سباب المومن فسق» ثبت شده است.<sup>۵</sup>

(۹) نبوی دوم

«وعن علی بن ابراهیم ، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قال

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: سباب المؤمن كالمشرف على الهلكة.»<sup>۶</sup>

[سَبَاب: بسیار سبّ کننده]

ما می گوئیم:

۱. کنز العمال نیز این روایت را به همین صورت از رسول الله ذکر کرده است.<sup>۷</sup>

۲. این روایت نیز تنها در مورد سبّ مومن است

۳. مرحوم شهیدی می نویسد:

«فی دلالتها علی حرمة السبّ تأمل لاسیما بناء علی ما هو الظاهر من كون السَّبَاب مثل

ضْرَاب صیغه المبالغة»<sup>۸</sup>

(۱۰) نبوی سوم:

۱. کنز العمال، ۸۰۹۴

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۵

۳. ص ۵۷۳

۴. ص ۲۰۱

۵. کتاب الزهد، ص ۱۱

۶. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۲، ص ۲۹۸

۷. کنز العمال، ۸۰۹۳

۸. هدایة الطالب، ج ۱، ص ۲۴۰

«أَبِي (رحمه الله) قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ  
النُّوفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  
(ص) لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ وَلَا تَسُبُّوا الْجِبَالَ وَلَا السَّاعَاتِ وَلَا الْأَيَّامَ وَلَا اللَّيَالِيَ  
فَتَأْتُمُوا وَتَرْجِعَ عَلَيْكُمْ»<sup>۱</sup>

(تأتموا: گناهکار می شوید/ ترجع علیکم: به خودتان برمی گردد)



دین خارج خداوند است

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۷